

## تجارب دانشجویان دختر از مفهوم جنس در کتب درسی: پژوهشی پدیدارشناسانه

ژیلا کاردان<sup>1\*</sup>، اسکندر فتحی آذر<sup>2</sup>، یوسف ادیب<sup>3</sup>

1. دانشجوی دکترا، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

2. استاد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

3. دانشیار، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

تاریخ دریافت: 1395/07/08 تاریخ پذیرش: 1396/12/22

## The Experience of Female Students of from Gender Concept Reflection in School Textbooks: A Phenomenological Research

Zh. Kardan Halvae<sup>\*1</sup>, E. FathiAzar<sup>2</sup>, Y. Adib<sup>2</sup>

1. PhD Student, Curriculum, University of Tabriz

2. Professor, Educational Sciences, University of Tabriz

3. Associate Professor, Educational Sciences, University of Tabriz

Received: 2016/09/29 Accepted: 2018/03/13

### Abstract

Regarding the role of textbooks in the concept of gender, this research was conducted with the aim of investigating the perception of the female students' experiences perception of the gender concept in high school textbooks. This research is qualitative and it is based on the interpretative paradigm conducted by the phenomenology research. The data were collected by semi-structured interviews with seventeen female students of the first and second years of Bachelor of Science degree in order to complete data collection. In this study, the reliability and validity of the data were determined by transferability and dependability. For analysis of the interview data Van Mannen method was used. The results of this research are based on three themes of feeling of gender inequality, the role and characteristics of woman and gender inequality consequences. The results show that feeling of gender inequality has two secondary occupational and political themes. Personal role, social role, physical characteristics and emotional characteristics are secondary themes of the role and characteristics of woman. The consequences including increase of motivation progress and social dynamicity lead to reducing of the women social status and gender identity crisis.

### Keywords

Textbook, Phenomenology, Gender Inequality, Inequality Consequences.

### چکیده

با توجه به نقش کتاب‌های درسی در مفهوم جنسیت، این پژوهش با هدف درک تجربه دانشجویان دختر از انعکاس مفهوم جنس در کتاب‌های درسی دوره متوسطه انجام شده است. پژوهش حاضر، از نوع کیفی بوده و بر پارادایم تفسیری استوار است که با پژوهش پدیدارشناسی اجرا شده است. شیوه گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود که با هفده نفر از دانشجویان دختر سال اول و دوم مقطع کارشناسی تا رسیدن اطلاعات به حالت اشباع انجام شده است. در این مطالعه برای اعتبار و اعتمادبخشی به داده‌ها از قابلیت اعتبار، انتقال‌پذیری، قابلیت اعتماد و قابلیت تأیید استفاده شده است. به منظور تحلیل داده‌های مصاحبه از روش ون من (تجزیه و تحلیل درون‌مایه‌ای) استفاده شده است. یافته‌های حاصل از پژوهش، مشتمل بر سه درون‌مایه «احساس نابرابری جنسیتی»، «نقش و ویژگی‌های زن» و «پیامدهای نابرابری جنسیتی» است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد احساس نابرابری جنسیتی دارای دو درون‌مایه فرعی «شغلی» و «سیاسی» است. «نقش فردی»، «نقش اجتماعی»، «ویژگی جسمانی» و «ویژگی عاطفی» درون‌مایه‌های ویژگی‌های زن هستند و پیامدهایی نظیر «افزایش انگیزه پیشرفت و تحرک اجتماعی»، «کاهش منزلت اجتماعی زنان» و «بحران هویت جنسیتی» را به همراه دارند.

### واژگان کلیدی

کتاب درسی، پدیدارشناسی، نابرابری جنسیتی، پیامدهای نابرابری.

\* نویسنده مسئول: زیلا کاردان

ایمیل نویسنده مسئول:

\*Corresponding Author: [n\\_kardan2000@yahoo.com](mailto:n_kardan2000@yahoo.com)

## مقدمه

امروزه اهمیت آموزش و پرورش و ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست. افراد جامعه توجه ویژه‌ای به آموزش و پرورش و مدارس دارند و آموزش رسمی و محیط مدرسه از کارگزاران اصلی اجتماعی شدن هستند که بر نگرش، رفتار و اعتقاد فراگیران تأثیر دارند (رگیل<sup>1</sup>، 2006؛ برینت و دیگران<sup>2</sup>، 2001؛ ظهورند، 1385؛ شیخاوندی، 1385). آموزش و پرورش ابزار بالقوه‌ای برای توانمندسازی زنان است که برای توسعه اجتماعی و اقتصادی یک کشور ضروری است. اما متأسفانه اعتقادات مردسالارانه عمیق و ریشه‌دار و کلیشه‌های سنتی آزادی زنان را محدود کرده و محدودیت‌هایی برای انتظارات و خواسته‌های دختران در پی داشته است (فوزیا و الیاس مصطفی<sup>3</sup>، 2016).

دانش‌آموزان اصلی‌ترین عنصر تعلیم و تربیت هر کشوری به شمار می‌روند لذا توجه به عوامل موثر بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان امری ضروری برای توسعه آموزش و پرورش و پیشرفت هر کشوری محسوب می‌شود (نیومن، 1990؛ نقل از یعقوبی و بختیاری، 1395). عملکرد تحصیلی فراگیران در حوزه‌های درسی مختلف متأثر از عوامل متعددی است که برخی از آن‌ها موقعیتی یا بافتی بوده و برخی از آن‌ها درونی و شخصی هستند (عابدینی و مختاری، 1394). در بین عناصر تشکیل‌دهنده نظام‌های آموزشی، کتاب‌های درسی به سبب تأثیرگذاری روی مخاطبان اهمیت بیشتری دارند (سیف‌اللهی و ابراهیمی، 1387). کتاب‌های درسی، ابزارهای چشمگیری هستند که نه تنها منبع دانش و اطلاعات هستند بلکه به ایجاد نگرش مطلوب در فراگیران کمک می‌کنند. به واسطه کتاب‌های درسی است که فراگیران به درکی از خویشتن دست می‌یابند، نسبت به ارزش‌های جامعه آگاهی کسب می‌کنند و نقش‌های جنسیتی در آن‌ها شکل می‌گیرد (سومالاتا<sup>4</sup>، 2004؛ لی و کولینز<sup>5</sup>، 2008؛ کوروویلا و کاتی<sup>6</sup>، 2015). کتاب‌های درسی تأثیر چشمگیری در توسعه نقش جنسیتی کودکان دارند؛ زیرا آنچه به دانش‌آموزان آموزش داده

می‌شود شامل بسیاری از کلیشه‌های جنسیتی است و درک کودکان از جنسیت تا حد زیادی تحت تأثیر تصاویر و متون کتاب‌های درسی است (فریولی، 2008، پارک و استوارت<sup>7</sup>؛ نقل از توچی و آلیو<sup>8</sup>، 2013). تایلور<sup>9</sup> (2003) این پرسش کلیدی را مطرح می‌کند که کتاب‌های درسی مدارس چه چیزهایی درباره جنسیت به کودکان و نوجوانان ما می‌آموزند؟ گفتنی است ضرورت طرح چنین پرسشی در کشورهایی که نظام آموزشی متمرکز داشته و کتاب درسی به عنوان منبع اصلی اطلاعات و انتقال فرهنگی است و نقش عمده‌ای در فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی دانش‌آموزان دارد (فروتن، 1389)، اهمیت بالایی پیدا می‌کند. بنابراین مطالعه این موضوع، در کشورمان، به دلیل نظام آموزشی متمرکز اهمیت زیادی دارد.

کرافت نخستین کسی است که از واژه «نابرابری جنسیتی» استفاده کرده است. از دید کرافت تفاوت‌های بین دو جنس نشأت گرفته از اجتماع است و نه به صورت طبیعی بلکه از طریق اجتماع رخ داده‌است. مطالعه مواد درسی استفاده شده در نظام‌های مختلف آموزشی در جهان و شیوه انعکاس نابرابری‌های جنسیتی در آن‌ها یکی از موضوع‌های مهم مورد توجه در پاره‌ای مطالعات بوده است (لا و چان<sup>10</sup>، 2004؛ گودن و گودن<sup>11</sup>، 2001؛ ایونس و دیویس<sup>12</sup>، 2000، جکسون و وارین<sup>13</sup>، 2000).

ظهور نظریه‌های فمینیست در دهه 1970، اتفاق مهمی بود، که در توسعه مفاهیم جنسیت نقش مهمی ایفا کرده است (آمانیسو<sup>14</sup>، 2005). در سال‌های 1960 و 1970 نظریه‌های جامعه‌شناسی به عنوان نظریه‌هایی مردم‌محور که از مناسبات جنسیتی غافل شده‌اند، نقد شدند و فمینیست‌ها با این داعیه که بهترین راه برای تصحیح این روند به حساب آوردن تجربیات روزانه زنان و نظریه‌پردازی‌های تأیید نشده است، تحقیقات خود را رقم زدند. در نظریه پردازی فمینیستی، زندگی زنان مرکزیت می‌یابد. هدف نظریه فمینیستی به لحاظ نظری، فهم عدم تساوی جنسیتی،

7. Parke & Stewart

8. Toci & Aliu

9. Taylor

10. Law & Chan

11. Gooden & Gooden

12. Evans & Davies

13. Jackson & Warin

14. Amancio

1. Reagle

2. Brint et al.

3. Fousiya. & Alias Musthafa

4. Sumaltha

5. Lee & Collins

6. Kuruvilla & K.T

ناخودآگاه تبعیض جنسیتی را در کتاب‌های درسی ترویج می‌کنند. همسو با نتایج بالا، حاضری و احمد پور (1391) نیز با بررسی چگونگی بازنمایی جنسیت در کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی و متوسطه دریافتند که در کتاب‌های درسی به مردان بسیار بیشتر از زنان پرداخته شده است. زنان در اندک نمونه‌های حضور در کتاب‌های درسی، موجوداتی ضعیف، عاطفی، نیازمند کمک و مطیع مردان بازنمایی می‌شوند.

بنابراین با عنایت به ضرورت شناخت و برطرف کردن این مشکلات و کاستی‌ها، پژوهش حاضر انجام شده است. تجربیات دانشجویان بهترین منبع اطلاعات در این زمینه است. بررسی تجربه دانشجویان دختر درباره مفهوم جنس و انعکاس آن در کتاب‌های درسی با پژوهش‌های رایج کمی تبیین نمی‌شود در حالی که پژوهش‌های کیفی قابلیت‌ها و برتری‌های چشمگیری در شناخت عمیق پدیده‌ها و تبیین تجربه‌های واقعی دارند. از سوی دیگر، روش‌های کمی سوژه‌های انسانی را چون شیء می‌نگرد و ادعای بی‌طرفی و خنثی بودن می‌کند حال آنکه این امر امکان‌پذیر نیست. امروزه، پژوهشگران سعی می‌کنند از دیدگاه اثبات‌گرایانه فاصله بگیرند و با توجه به این اصل که تحقیق باید به وسیله زنان، برای زنان و با زنان صورت پذیرد، روش‌های کیفی را مناسب‌تر می‌دانند. روش‌های کیفی این قابلیت را دارند که تجربیات زنان را بیشتر منعکس سازد. بنابراین این پژوهش با هدف درک تجربه دانشجویان دختر سال اول و دوم مقطع کارشناسی درباره مفهوم جنس و نحوه انعکاس آن در کتاب‌های درسی دوره متوسطه انجام شد. در پژوهش حاضر تلاش شد تا با توصیف تجربیات دانشجویان درباره جنس و نحوه انعکاس آن در کتاب‌های درسی به این سوال اصلی پاسخ داده شود که چه تصویری از مفهوم جنس به وسیله کتاب‌های درسی به فراگیران منتقل شده است و آیا تصویر یاد شده بر پایه اصول سنتی بوده و یا در راستای دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و امثالهم تغییر یافته است؟

### روش

پژوهش حاضر کیفی و در زمره مطالعات تفسیری است که با بهره‌گیری از راهبرد پژوهش پدیدارشناسی در صدد تبیین و تفسیر جوهره تجربه دانشجویان از انعکاس مفهوم جنس در کتاب‌های درسی است. وظیفه پژوهشگر تلاش برای

نقش‌های اجتماعی زنان و تجربیات زیسته آن‌ها در حوزه‌های مختلف است و به لحاظ عملی، هدف، ارتقاء حقوق زنان است (صادقی فسائی، 1389). می‌توان گفت موضوع مورد بحث بسیاری از فمینیست‌ها این است که در گفتمان علمی رایج، این عقیده که زنان به لحاظ فکری و ذهنی ناقص هستند، به چشم می‌خورد. وجود چنین دیدگاهی درباره زنان تا دهه 1970، دو تاثیر متفاوت داشت: 1. محروم شدن زنان از تحصیل در رشته‌های علمی 2. عدم توجه به مسائل سلامت زنان و شرایط کاری آن‌ها (امانسیو، 2005). پژوهش‌ها درباره کلیشه‌های جنسیتی بارها نشان داده است که کلیشه‌های جنسیتی رایج غالباً در تصاویر و متون درسی تقویت می‌شوند (ایوانس و دیویس، 2000؛ تاپلور، 2003؛ اولاه و همکاران<sup>15</sup>، 2014؛ خورشید و همکاران<sup>16</sup>، 2010؛ ماکندین و نیمچز<sup>17</sup>، 2008؛ اولاه و اسکلتون<sup>18</sup>، 2013؛ اسن<sup>19</sup>، 2007؛ چیک<sup>20</sup>، 2006؛ و کاتی، 2015). به عنوان مثال مطالعه اولاه و اسکلتون (2013) حاکی از آن است که کتاب‌های درسی همچنان به تداوم نابرابری جنسیتی دامن زده‌اند. در این زمینه، به ناآگاهی طراحان برنامه درسی و نویسندگان کتاب‌های درسی از نابرابری جنسیتی، توجه جدی شده است. اسن (2007) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده که کلیشه‌های جنسیتی در تمامی کتاب‌های درسی مشاهده می‌شود. کتاب‌ها در اصل مردان و زنان را در نقش‌های سنتی به تصویر کشیده‌اند.

به موازات مطالعات بالا، تاکنون تحقیقات متعددی به مطالعه محتوای مواد درسی و مضامین مربوط به جنسیت در ایران انجام یافته است. مطالعات افشانی و همکاران (1388)، عربی و عابدی، (1382)، ایمانی و مظفر، (1383)، فروتن (1389) و فروتن (1390) فقدان تعادل نقش‌های جنسی را در محتوای کتاب‌های درسی به نفع مردان گزارش کرده‌اند. نتایج پژوهش سیف‌اللهی و ابراهیمی (1387) نیز نشان داد که برنامه‌های آموزشی به طور

15. Ullah & et al

16. Khurshid & et al

17. Mukundin & Nimehchisalem

18. Ullah & Skelton

19. Esen

20. Chick

مایه‌ای مشخص‌کننده است. ون منن برای بیرون کشیدن درون‌مایه‌ها از متن، سه رویکرد کل‌نگر، انتخابی و جزءنگر را پیشنهاد کرده است. در این پژوهش، پس از مکتوب کردن هر مصاحبه، کل متن بارها خوانده و یک برداشت کلی از آن به صورت بیانیه‌ای توصیفی نوشته شد (رویکرد کل‌نگر)، سپس به تک تک جمله‌های متن یا دسته‌هایی از آن‌ها توجه شد و از خود پرسیدیم این جمله یا این گروه از جملات چه چیزی را می‌توانند درباره مفهوم جنس و یا تجربه مربوط به آن توصیف کند؟ (رویکرد جزءنگر) و در پایان پس از چندین بار خواندن متن، بیاناتی که به نظر می‌رسید می‌تواند در روشن کردن پدیده کاربرد داشته باشد، انتخاب شد (رویکرد انتخابی) (ون منن، 2006).

در این مطالعه برای اعتبار و اعتمادبخشی به داده‌ها از قابلیت اعتبار، انتقال‌پذیری، قابلیت اعتماد و قابلیت تأیید استفاده شد. قابلیت اعتبار بدین معنی است که تا چه حد ساختار و معنی پدیده مورد نظر به نحو مناسب و مطلوبی بازنمایی می‌شود. به منظور رعایت قابلیت اعتبار پژوهش سعی شد افرادی به مطالعه وارد شوند که تجربه غنی‌ای درباره مفهوم جنسیت داشته باشند. از این رو حداقل معیار ورود به مصاحبه، دانشجویان سال اول و دوم کارشناسی بود، سال سوم و چهارم را به این دلیل انتخاب نکردیم چون مطالب مربوط به کتب درسی دوره متوسطه را به احتمال زیاد فراموش کرده‌اند. انتقال‌پذیری شامل این پیام است که یافته‌های پژوهش تا چه حد به محیط‌های دیگر تعمیم‌پذیر است. در پدیدارشناسی، پژوهشگر موظف است تا مجموعه داده‌ها و توصیفات متنی خود را به نحوی کامل و غنی عرضه کند که بتوان آن را با ادبیات نظری پیشین، تطبیق داد و تأیید نظری آن یافته را دریافت.

ضمن آنکه پژوهشگران دیگر باید بتوانند درباره قابلیت انتقال این یافته‌ها به محیط‌های دیگر قضاوت کنند که در پژوهش حاضر سعی شد با عرضه کامل یافته‌ها، این مهم تحقق یابد. قابلیت اعتماد به انسجام فرآیندهای درونی و نحوه بررسی شرایط متغیر پدیده به دست پژوهشگر دلالت می‌کند. برای دستیابی به قابلیت اعتماد دو استاد، مراحل پژوهش را بازنگری و نتایج را تأیید کردند. قابلیت تأیید، بیانگر آن است که یافته‌های پژوهشگر را تا چه حد، سایر افرادی که پژوهش یا نتایج آن را بررسی می‌کنند، تأیید می‌کنند. قابلیت تأیید از طریق مرور و بازبینی‌های دقیق و

بررسی تجارب محض دانشجویان و آگاهی از آن‌ها فارغ از مفروضات پیشین است. از این رو باید از شهود بی‌واسطه استفاده کرد، بدون آنکه پیش‌فرض داشت. در پژوهش حاضر، آگاهی و تجربه دانشجویان از مفهوم جنس دارای اهمیت و محل بحث است که با مطالعه حاضر می‌توان به ذات و ماهیت مفهوم جنس آن گونه که دانشجویان تجربه کرده‌اند، دست یافت. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده تا به شرکت‌کنندگان اجازه دهد آزادانه به توصیف تجربه خود بپردازند. به عقیده ون منن، مصاحبه بهترین روش برای وارد شدن به دنیای تجربیات انسان‌ها است.

مدت مصاحبه بین 30 تا 50 دقیقه بود. در پژوهش حاضر شرکت‌کنندگان براساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند که از نوع نمونه‌گیری قضاوتی است. حداقل معیار ورود به مصاحبه، دانشجویان سال اول و دوم کارشناسی بود، سال سوم و چهارم را به این دلیل انتخاب نکردیم که مطالب مربوط به کتب درسی دوره متوسطه را به احتمال زیاد فراموش کرده‌اند. به بیان دیگر افرادی انتخاب شدند که بهترین شرایط را برای عرضه اطلاعات مورد نیاز داشتند و شخصاً فرایندها و مسائل مورد نظر را تجربه کرده بودند. فرآیند انجام مصاحبه تا زمان اشیاع اطلاعاتی ادامه یافت. در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت کیفی لزومی به مشخص کردن تعداد نمونه به صورت پیش‌فرض نبوده است و تکرار داده‌های گردآوری شده، مشخص کننده تعداد نمونه‌ها است. در واقع اشیاع اطلاعاتی ملاک خاتمه نمونه‌گیری است.

در پژوهش حاضر، با 17 نفر مصاحبه شد؛ زیرا که داده‌های گردآوری تکراری شد. به منظور گردآوری اطلاعات از دانشجویان دو سوال اساسی مطرح گردید: چه تجربه‌ای از انعکاس مفهوم جنس در کتاب‌های درسی دوره متوسطه داشته‌اید؟ با چه دیدگاه‌هایی چنین مفهوم جنسیتی توجیه‌پذیر است؟ البته زمانی که نیاز به روشن‌سازی اطلاعات در زمینه‌ای خاص بود، از سوال‌های دقیق‌تر و یا بیشتری استفاده می‌شد. کلیه مکالمات بر روی نوار، ضبط و سپس مکتوب شدند. تحلیل داده‌ها با رویکرد ون منن<sup>21</sup> انجام شد که تحلیل درون‌مایه‌ای خواننده می‌شود. این روش شامل مجموعه فعالیت‌هایی برای بیرون کشیدن ابعاد درون

غالباً در طول تاریخ، فرصت‌ها و امکانات حیات سیاسی برای زنان به نحوی توزیع نشده است که آنان بتوانند همدوش مردان در صحنه‌های سیاسی حاضر شده و بدون هیچ گونه محدودیت جنسی به ایفای نقش‌های سیاسی خویش بپردازند. تجربیات مشارکت‌کنندگان حاکی از انعکاس تبعیض‌آمیز نقش سیاسی زنان در کتاب‌های درسی است. نمونه‌ای از اظهارات مشارکت‌کنندگان به شرح زیر است:

«من این امر و قبول دارم که مشارکت سیاسی در جامعه واقعا کار سختی هستش و نیاز به مهارت خاصی دارد. ولی انجام هیچ کاری برای زنان غیرممکن نیست. با انجام برنامه ریزی‌های لازم می‌شه این توانایی و در زنان نیز پرورش داد. این امر می‌تونه از طریق کتاب‌های درسی به نحو احسن انجام بگیره. اما متأسفانه در کتاب‌های درسی به زنانی که تونستن در عرصه‌های سیاسی تاثیرگذار باشند اشاره‌ای نشده است.»

#### درون مایه اصلی 2: ویژگی‌های زن

دومین مضمون اصلی به دست آمده، ویژگی‌های زن است که شامل چهار مضمون فرعی فردی، اجتماعی، فیزیکی و عاطفی است. تصویری که کتاب‌های درسی از نقش فردی و اجتماعی و ویژگی‌های فیزیکی و عاطفی زن ارائه کرده است، تصویری سنتی در جهت تقویت باورها و کلیشه‌های جنسیتی است و زنان بیشتر با همان صفات شناخته شده توصیف شده‌اند.

#### نقش فردی

در این پژوهش بسیاری از دانشجویان بیان کرده‌اند که در اکثر کتاب‌ها زن در نقش سنتی در خانواده به تصویر کشیده شده است و پرداختن به امور منزل، تربیت فرزندان و فرمان‌برداری از همسر به عنوان مسئول و رئیس خانواده عمده‌ترین نقش‌هایی است که زنان در خانواده به عهده می‌گیرند. گفته‌های مشارکت‌کنندگان به شرح زیر است:

«آنچه از مفهوم جنسیت در ذهنم تداعی می‌شود رویکردی سنتی است. تا جایی که یادمه در کتاب‌های درسی چه در تصاویر و چه در متونش نقش زن بیشتر به صورت نقش مادری به تصویر کشیده شده که همیشه به خانه‌داری، شستن و تمیز کردن خانه و تربیت فرزندان مشغول بوده است در حالی‌که همیشه در کتاب‌ها عکس

چندین باره داده‌ها، تفسیرها و یافته‌های این مطالعه با نگاهی به مطالعات پیشین حاصل شده است، به نحوی که سایر پژوهشگران بتوانند قادر به درک تجربه دانشجویان و پیگیری داده‌ها و دستیابی به نتایج مشابه باشند.

#### یافته‌ها

سه درون‌مایه اصلی و نه درون‌مایه فرعی از یافته‌ها استخراج شد که می‌توانند تجربه دانشجویان دختر را از مفهوم جنسیت به تصویر بکشند (جدول شماره 1).

جدول 1. مضامین به دست آمده از پاسخ‌های دانشجویان

مضامین اصلی	مضامین فرعی
نابرابری جنسیتی	شغلی - سیاسی
ویژگی‌های زن	فردی - اجتماعی - فیزیکی - عاطفی
پیامدهای نابرابری جنسیتی	افزایش انگیزه پیشرفت و تحرک اجتماعی کاهش منزلت اجتماعی زنان - بحران هویت جنسیتی

#### درون مایه اصلی 1: احساس نابرابری جنسیتی

اولین مضمون اصلی، احساس نابرابری جنسیتی است که شامل دو مضمون فرعی شغلی و سیاسی است. نابرابری جنسیتی برخورد و عملی است که باعث طرد، تحقیر و احساس خوار می‌شود.

#### نابرابری شغلی

در اکثر کتاب‌های درسی نابرابری شغلی درباره زنان وجود دارد. انعکاس کم‌رنگ زنان در مشاغل و به‌ویژه در مشاغل با منزلت اجتماعی بالا، به وضوح، در تمامی متون و تصاویر کتاب‌ها دیده می‌شود. نمونه‌ای از گفته‌های مشارکت‌کنندگان به شرح زیر است:

«در کتب درسی مواردی رو دیدم که زنان مشغول به کارند؛ مثلاً در کتاب جامعه‌شناسی سال سوم، زنان رو به صورت پرستار در بیمارستان نشان می‌دهد و یا معلم است اما این اشاره به اشتغال زنان بسیار محدوده و در مقابل آن بیشتر به خانه‌داری و وظایف سنتی اشاره شده. همیشه این تصور رو داریم که اگه درسوم هم تموم شه نمی‌تونیم به کار خوب و آبرومندانه پیدا کنیم.»

#### نابرابری سیاسی

«باور در مورد زنان و مردان در حال تغییر و دگرگونی است. متأسفانه در کتاب‌های درسی صراحتاً در مورد زنان و ویژگی‌های عاطفی آن‌ها بحث نشده است. همین عدم اشاره می‌تونه عاملی بر این باشه که زنان و ویژگی‌های روحی و عاطفی آن‌ها نادیده گرفته بشه. از طرف دیگر همیشه زنان رو در کتاب‌های درسی به صورت فداکار و دلسوز نشان داده شده‌اند.»

### درون مایه اصلی 3: پیامدهای نابرابری جنسیتی

سومین مضمون اصلی، پیامدهای نابرابری جنسیتی است. نابرابری جنسیتی غالباً برای دختران و زنان مسائل و مشکلاتی را به همراه دارد. این پیامدها شامل یک پیامد مثبت و دو پیامد منفی «کاهش موقعیت و منزلت اجتماعی زنان» و «بحران هویت جنسیتی» است. مشارکت کنندگان پیامد مثبت نابرابری جنسیتی را افزایش انگیزه مشارکت و تحرک اجتماعی قلمداد نموده‌اند.

### افزایش انگیزه مشارکت و تحرک اجتماعی

تجربیات مشارکت کنندگان نشان می‌دهد که احساس نابرابری جنسیتی در زنان می‌تواند عاملی در جهت افزایش انگیزه مشارکت و تحرک اجتماعی باشد. انسان با آگاهی از چنین تبعیض و نابرابری تلاش خواهد کرد که خود را از این وضعیت رها نموده و در جهت پیشبرد اهداف خود تلاش کند. دانشجویی تجربه خود را چنین بیان می‌کند:

«امیدواری هستش که آینده انسان رو می‌سازه. وقتی همچنین نابرابری‌های جنسیتی رو در کتاب‌ها و کلاس‌ها و سیستم آموزشی به عینه می‌بینم راستش به جای اینکه ناراحت و ناامید بشم، تمامی عزمم رو جزم می‌کنم تا به همه ثابت کنم که از آقایون چیزی کم ندارم. با اینکه همیشه خودم و تشویق می‌کنم. آینده‌ام برام خیلی مهمه. برخلاف آنچه در کتاب‌ها اومده که تأکید اصلی‌شون بر خانه‌داری زنان هستش، دوست ندارم فقط خانه‌داری کنم. دوست دارم در جامعه باشم و برای پیشرفت و رشد خودم و جامعه تلاش کنم.»

### کاهش جایگاه و منزلت اجتماعی زنان

در کتاب‌های درسی به زنان و مسائل مربوط به آنان کم توجهی شده است؛ زنانی که بیشترین نقش را در خانواده و

پدری را دیدیم که در حال خرید و یا کارکردن در خارج از منزل است. دریغ از یک متن یا تصویر که نشون بده مردها به زنان در امر خانه‌داری و غیره کمک کنند.»

### نقش اجتماعی

انتظار می‌رود آموزش و پرورش به عنوان نهادی که یکی از اصلی‌ترین اهداف آن اجتماعی کردن افراد است، بتواند به نقش اجتماعی زنان که نیمی از نیروهای جامعه انسانی‌اند، توجه داشته باشد. تحقق چنین امری از طریق کتاب‌های درسی صورت می‌گیرد. نظر مشارکت کنندگان به این شرح است:

«همه می‌دونن که رشد و توسعه یک جامعه به مشارکت فعال زنان نیاز داره. در کتاب‌های درسی کمتر به جایگاه بانوان در جامعه اشاره شده است. کتاب‌های درسی این‌گونه به ما زنان القا کرده که مهم‌ترین وظیفه ما نگهداری از فرزند و تمیز نگهداشتن خونه است و نقش اجتماعی زنان رو نادیده گرفته است. همین امر باعث شده که در خود من به ذهنیت منفی در مورد ادامه تحصیل به وجود بیاد.»

### ویژگی جسمانی زن

طبق گفته‌های پاسخگویان، در کتاب‌های درسی، دخترها به صورتی نشان داده شده‌اند که کار سختی انجام نمی‌دهند و مشغول کارهای راحت و ساده هستند؛ در حالی که پسرها همواره با ویژگی‌هایی چون قوی، توانا و شایسته به تصویر کشیده شده‌اند:

«در بیشتر تصاویر و متون، پسرها با قدرت‌تر و تواناترند. آن‌ها همیشه ورزشکار و مناسب برای بازی‌های سخت‌اند. ولی دخترها در حال انجام کارهای ساده نشان داده شده‌اند. همین عوامل به زندگی ما دختران هم نفوذ پیدا کرده، خانواده‌ها هم تصورشون بر اینه که دختران و زنان قدرتی ندارند و قادر نیستند کارهای سخت انجام دهند.»

### ویژگی عاطفی زن

طبق نظر پاسخگویان، در کتاب‌های درسی، زنان بسیار مهربان و دلسوز به تصویر کشیده شده‌اند. برخی نیز بر این باورند که اشاره‌ای به ویژگی‌های عاطفی زنان در کتاب‌های درسی نشده است. اظهارات مشارکت کنندگان به این شرح است:

جدول 2. مفاهیم کلیدی مستخرج از مصاحبه با شرکت‌کنندگان

مفاهیم کلیدی مستخرج	سوالات هر مضمون
اختصاص مشاغل پردرآمد به مردان - اشاره به خانهداری زنان - تصویر کشیدن زنان در حال انجام وظایف سنتی - اشاره محدود به اشتغال زنان - اختصاص شغل‌های دارای منزلت بالا به مردان - کمبود تصویر زنان شاغل - قوی بودن مردان دلیلی بر شغل‌های بهتر - اشاره نکردن به فعالیت اقتصادی زنان - محدود بودن فعالیت‌های زنان به محیط خانه - معرفی مشاغل زیاد برای مردان - اشاره به زنان فقط در شغل‌های معلمی و گاه پرستاری - واگذاری کارهای خانه به زنان	از نظر پاسخ‌گویان مهم‌ترین مصادیق و مضامین ناظر به نابرابری شغلی مبتنی بر نابرابری جنسیتی کدام است؟
نمایش ندادن زنان در مقام سیاسی - اختصاص ندادن تصویری از زنان در جایگاه سیاسی - نبود زنی در حال انجام فعالیت سیاسی - بحث نکردن از توانایی انجام کار سیاسی - ارائه ندادن تصویری از زنان در عرصه سیاسی - نابرابری اشتغال در منصب‌های سیاسی - نشان ندادن زنان موفق در عرصه سیاسی - نشان ندادن جایگاه زنان سیاسی فعال در کتاب‌ها - خالی بودن زنان در عرصه سیاسی	از نظر پاسخ‌گویان، مهم‌ترین مصادیق و مضامین ناظر به نابرابری سیاسی مبتنی بر نابرابری جنسیتی کدام است؟
پر رنگ بودن فعالیت مردان در برابر زنان - اختصاص ویژگی منطقی بودن به مردان - اختصاص نقش‌های سنتی به زنان - نمایش نقش خانهداری زنان - اشاره به نقش تربیتی زنان بیشتر در قالب سنتی - اشاره به زنان در نقش مادری و مراقبت از فرزندان - اشاره به زیر فرمان بودن زنان	از نظر پاسخ‌گویان، کتاب‌های درسی چه تصویری از نقش فردی زن ارائه کرده‌اند؟
نبود مشارکت اجتماعی زنان در کتاب‌های درسی - تبعیض در استفاده از امکانات جامعه - نبود حتی یک نقش رهبری برای زنان در کتاب‌ها - اشاره نکردن به مخترع یا دانشمند زن ایرانی - ابهام در نشان دادن سهم زنان از مزایای اجتماعی - حضور نداشتن فعال در مسائل اجتماعی - ناتوانی زنان برای حضور در عرصه‌های اجتماعی	مهم‌ترین مصادیق حاصل از نظر پاسخ‌گویان درباره نقش اجتماعی زنان چگونه است؟
تاکید بر توانایی و قدرت مردان - ناتوان جلوه دادن زنان در انجام برخی کارها - ناتوانی زنان به انجام کارهای سخت - اختصاص کارهای راحت به زنان - از عهده انجام کارهای سخت برنیامدن زنان - قوی و توانا بودن مردها در کتاب‌ها - غفلت از توانایی‌های جسمی زنان - ضعیف جلوه دادن زنان - عدم نمایش زنان در فعالیت‌های ورزشی	از نظر پاسخ‌گویان کتاب‌های درسی چه تصویری از ویژگی‌های فیزیکی زن ارائه کرده‌اند؟
ترغیب زنان به فرمانبری از مردان - مهربان نشان دادن زنان در کتب درسی - اشاره نکردن به بعد عاطفی زنان - هیچانی بودن زنان - نادیده گرفتن عواطف زنان - انعکاس ویژگی احساساتی بودن زنان - اهمیت ندادن به جوانب عاطفی دختران - زنان واسطه‌ای برای ایجاد ارتباط عاطفی بین اعضای خانواده	مهم‌ترین مصادیق حاصل از نظر پاسخ‌گویان درباره ویژگی‌های عاطفی زنان چگونه است؟
آگاهی از نابرابری عملی برای افزایش تلاش - تلاش برای بهتر کردن وضعیت زندگی‌مان - انگیزه برای پیشرفت در آینده - تلاش برای داشتن شغل بهتر - تلاش برای اثبات توانایی‌های خود - تلاش بیشتر به دلیل مهم بودن آینده زنان - تمایل و تلاش برای تحرک بیشتر - فعالیت و کوشش مضاعف برای پیشرفت خود و جامعه - اعتقاد به توانایی‌های خود و افزایش تلاش	مهم‌ترین مصادیق حاصل از نظر پاسخ‌گویان در مورد پیامد مثبت نابرابری جنسیتی (افزایش انگیزه مشارکت و تحرک اجتماعی) چیست؟
نبود اشاره کافی به جایگاه بالای زنان در جامعه - نداشتن دید مثبت به جایگاه زن - نداشتن منزلت بالا در جامعه - اشاره نکردن به زنان دارای موقعیت اجتماعی بالا - اهمیت کم زن در جامعه - اشاره نکردن به پایگاه اجتماعی مناسب زنان - احساس ناتوانی زنان در دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی بالا - بی‌فایده بودن برای پیشرفت جامعه - تفکر منفی نسبت به تاثیر زن در جامعه	مهم‌ترین مصادیق حاصل از نظر پاسخ‌گویان درباره پیامد منفی نابرابری جنسیتی (کاهش جایگاه و منزلت اجتماعی زنان) چیست؟
ارائه نکردن ارائه الگوی مناسب از زنان - تاکید زیاد بر هویت دختران در خانه - تطابق نداشتن نقش زنان در کتاب‌ها و جامعه امروز - انعکاس نابرابری عملی برای تلقی منفی از خود - ناتوانی در انجام برخی کارها - وابستگی به دیگران در زندگی - ناتوانی در سازگاری با نوآوری‌های آینده - احساس بی‌اهمیت بودن - منحصر کردن هویت زنان به نقش‌های سنتی - تضاد بین محتوای کتاب‌ها و جامعه امروزی	مهم‌ترین مصادیق حاصل از نظر پاسخ‌گویان در مورد پیامد منفی نابرابری جنسیتی (بحران هویت جنسیتی) چگونه است؟

ولی عملاً شاهد تضاد بین محتوای کتاب‌های درسی و واقعیت‌های جامعه امروزی هستیم. اکثر مشارکت‌کنندگان بحران هویت جنسیتی را ناشی از نابرابری و عدم تعادل جنسیتی در کتاب‌های درسی بیان کرده‌اند. اظهارات مشارکت‌کنندگان به این شرح است:

«کتاب‌ها و محتوای اونا ارزش‌های موجود در جامعه رو به دانش‌آموزان انتقال می‌ده و اون‌ها رو برای آینده آماده می‌کنه. متأسفانه در کتاب‌های درسی همیشه زنان و در خانه و مشغول کارهای خانهداری نشون دادند و از این مسئله غافل بودند که جامعه هر روز در حال تغییره و زنان همچون مردان وارد جامعه می‌شوند. وقتی بین محتوای کتاب‌ها و آنچه در جامعه در جریان هستش سنخیتی نباشه باعث می‌شه که ما از خودمون بدمون بیاد و عملاً به این نتیجه برسیم که توانایی کافی برای حضور در محیط اجتماعی و نداریم»

جدول 2، برآیند مجموعه پاسخ‌های پاسخ‌گویان به سوالات مربوط به هر مضمون را نشان می‌دهد.

جامعه بر عهده دارند. این بی‌توجهی باعث می‌شود که زنان در جامعه از منزلت و پایگاه اجتماعی خوبی برخوردار نباشند. تجربه مشارکت‌کنندگان به این شرح است:

«هر نوع تبعیض و نابرابری بالطبع پیامدها و تاثیراتی رو داره. به نظر من نابرابری باعث عقب‌ماندگی انسان می‌شه و عقب‌ماندگی می‌تونه مانعی برای رشد و پویایی زنان بشه و مشارکت زنان رو در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی ورزشی محدود کنه. در کتاب‌ها حتی به زن موفق در عرصه‌های مختلف به درستی معرفی نمی‌شه. مثلاً وزیر بهداشت قبلاً زن بود و... همه اینا باعث می‌شه که دست از تلاش و کوشش برداریم و این درج‌ازدن‌ها باعث می‌شه که تنویم خودمون و در جامعه و محیط‌های علمی و... مطرح کنیم. ولی این وضعیت در کتاب‌های جدید خیلی تعدیل شده. عملاً شاهد تغییرات اساسی در کتاب‌های درسی هستیم»

**بحران هویت جنسیتی**

با وجود این که امروزه اکثر زنان جامعه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... حضور فعال دارند؛

### نتیجه‌گیری و بحث

این پژوهش، انعکاس مفهوم جنس در کتاب‌های درسی را بر مبنای تجارب دانشجویان دختر بررسی کرده است. در پژوهش حاضر یکی از تجربه‌های مهم دانشجویان (با توجه به تاکید دانشجویان بر آن و تکرار آن در طول مصاحبه‌ها) احساس نابرابری جنسیتی در کتاب‌های درسی است. دانشجویان بیشترین احساس نابرابری جنسیتی را در دو بعد شغلی و سیاسی درک کرده‌اند. می‌توان گفت پدیده تقدم مرد یا اول مرد (لی و کولینز، 2008) به وضوح توسط دانشجویان بیان شده است. در مجموع، تجربه دانشجویان موید سوگیری جنسیتی (سوگار و همکاران<sup>22</sup>، 2002 و ساندرلند و همکاران<sup>23</sup>، 2001) در کتاب‌های درسی است. می‌توان گفت نتایج این تحقیق حاکی از آن است که دانشجویان از تصاویر کتاب‌های درسی تفاوت‌های جنسیتی را درک کرده‌اند و اینتزن و همکاران نیز در توصیف این وضعیت، اصطلاح زن نامرئی را وضع کرده‌اند (نقل از فروتن، 1389). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در کتاب‌های درسی فرصت‌های شغلی به گونه‌ای است که هنوز دارای نابرابری جنسیتی بوده و برای زنان نسبت به مردان مشاغل کمتری وجود دارد (دیوید و وودوارد<sup>24</sup>، 1998؛ نقل از فتحی و اجارگاه، 1392). یافته سیف‌اللهی و ابراهیمی (1387) نشان داد که شغل درصد بیشتری از زنان شاغل در کتاب‌های درسی، معلمی است. همچنین مشخص شد که از نظر کمی و کیفی در هر زمینه به زنان کم‌توجهی شده و متون و تصاویر بر پایه پیش‌داوری‌ها و قالب‌های ذهنی مبتنی بر تبعیض جنسیتی تدوین شده‌اند. با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کتاب‌های دوره ابتدایی می‌توان گفت که با ارائه چنین جایگاهی از زنان در کتاب‌های درسی نمی‌توان به سوی ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی گام برداشت و زمینه توانمندسازی دختران را فراهم کرد. نتایج پژوهش حجازی (1385) نیز این یافته را تایید می‌کند. در پژوهش پورطاهری بیش از نیمی از زنان احساس نابرابری جنسیتی می‌کنند که از میان ابعاد مختلف نابرابری جنسیتی، بیشترین نابرابری به ترتیب در بعد حقوقی، اقتصادی، سیاسی و در نهایت اجتماعی وجود دارد (پورطاهری، 1388). آدامز و

لوریکاتس (نقل از افهمی، 1385) از بررسی کتاب‌های درسی و نیز غیردرسی در مدارس ابتدایی آمریکا دریافتند، محتوای کتاب‌های درسی ابتدایی حاوی کلیشه‌های جنسیتی است و زنان به ندرت شخصیت اصلی حوادث و داستان‌ها هستند. نتایج تجربی پژوهش حاضر هم بر این امر صحه می‌گذارد.

از دیگر یافته‌های پژوهش، ویژگی‌های زن است. بسیاری از شرکت‌کنندگان معتقد بودند که در اکثر کتاب‌ها، نقش سنتی به زن داده شده است و پرداختن به امور منزل و تربیت فرزندان عمده‌ترین نقش‌هایی است که زنان در خانواده به عهده می‌گیرند. همچنین در کتاب‌های درسی کمتر به نقش زنان در جامعه اشاره شده است. جنبش‌های اصلاح طلب یا لیبرال، در دهه 1970، وضعیت موجود در مدارس را از لحاظ رفتار جنسیتی به ویژه الگوهای تبعیض جنسیتی نقد کردند. برخی پژوهش‌ها، رفتارهای کلیشه‌ای موجود در بسیاری از مواد برنامه درسی را بررسی کردند (فتحی و اجارگاه، 1392). یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که می‌تواند در تبیین جایگاه متون درسی در تکوین و تکامل هویت و نقش‌های جنسیتی استفاده شود، نظریه کنش متقابل نمادی است. در این نظریه، عنصر جنسیت نقش کلیدی در تکوین شناخت و کنش‌های متقابل انسان‌ها با همدیگر دارد. به عقیده صاحب‌نظران برجسته این تئوری مانند سایپر، جورج هربرت مید و وورف، انسان در دوران کودکی از طریق زبان و کنش متقابل به یک خود اجتماعی دست می‌یابد. مطابق این نظریه، کتاب‌های کودکان نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری این شناخت جنسیتی ایفا می‌کنند. یکی دیگر از نظریه‌ها در تبیین جایگاه متون درسی در تکوین و تکامل هویت و نقش جنسیتی، نظریه جامعه‌شناسی جنسیتی است (فروتن، 1390). از دیدگاه صاحب‌نظران این نظریه مانند تایلور (2003)، جنسیت به عنوان یک عنصر کلیدی تلقی می‌شود. مطابق این نظریه کودکان از ابتدا یاد می‌گیرند که جامعه انتظارات اجتماعی متفاوتی از دخترچهارها و پسرچهارها دارد. تایلور این انتظارات اجتماعی را کدهای جنسیتی می‌نامد. مطابق این نظریه، کتاب درسی و محتوای آن نقش اساسی در فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی ایفا می‌کنند. طبق نظر مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، کتاب‌های درسی نقش اساسی در شکل‌دهی نقش‌های جنسیتی ایفا می‌کنند.

22. Sugar &amp; et al

23. Sunderland &amp; et al

24. David &amp; Woodward



محدود می‌تواند به طور ضمنی این پیام را برای دانش‌آموزان دربرداشته باشد که باورها و کلیشه‌های تثبیت شده برای زنان و مردان براساس برچسب‌های جنسیتی تغییرپذیر و در حال تغییر است.

درباره ویژگی‌های جسمانی و عاطفی زنان در کتاب‌های درسی دانشجویان بیان کردند که در کتاب‌های درسی، دخترها به صورتی نشان داده شده‌اند که کار سختی انجام نمی‌دهند و مشغول کارهای راحت و ساده هستند در حالیکه پسرها همواره با ویژگی‌هایی چون قوی، توانا و شایسته به تصویر کشیده شده‌اند همچنین زنان بسیار مهربان و دلسوز به تصویر کشیده شده‌اند. برخی نیز بر این باورند که اشاره‌ای به ویژگی‌های عاطفی زنان در کتاب‌های درسی نشده است. گودن و گودن<sup>29</sup> (2001) نیز بیان کرده‌اند از تفاوت‌های جنسیتی منعکس شده در محتوای کتاب‌ها به گونه‌ای چشمگیر در طول زمان کاسته شده و میل به سمت برابری افزایش یافته است. نتایج پژوهش استروم کویست<sup>30</sup> (نقل از افشانی و همکاران، 1388) نیز نشان داد که کتاب‌ها حاوی پیام‌ها و تصاویری هستند که در آن زنان با ویژگی‌هایی مانند هیجانی، ضعیف، ترسو، کم هوش و وابسته معرفی شده‌اند و مردان دارای ویژگی‌هایی چون شجاع، منطقی، باهوش، مستقل و رهبر هستند. نقش‌های زنان و مردان در کتاب‌های درسی از نظر شرکت‌کنندگان با نظریه فرودستی زنان و برتری مردان همخوانی دارد. چونگ<sup>31</sup> (2000) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که کتاب‌های درسی، دختران را بیشتر به صورت شخصیت احساساتی معرفی کرده‌اند.

از دیگر یافته‌های پژوهش، پیامدهای نابرابری جنسیتی است. بسیاری از شرکت‌کنندگان معتقد بودند که نابرابری جنسیتی در کتاب‌های درسی، پیامدهای مثبت و منفی دارد. افزایش انگیزه پیشرفت و تحرک اجتماعی پیامد مثبت و کاهش منزلت اجتماعی زنان و بحران هویت جنسیتی پیامدهای منفی نابرابری جنسیتی است. تجربیات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که احساس نابرابری جنسیتی در زنان می‌تواند عاملی در جهت افزایش انگیزه مشارکت و تحرک اجتماعی باشد. همسو با این یافته، نتایج پژوهش دهنوی و

واقعیت آن است که زنان امروز جامعه ما در عرصه‌های گوناگون اجتماعی فعال شده‌اند. امروزه، آنان را می‌توان در عرصه‌های ادبی، علمی نظیر المپیادها و دانشگاه‌ها، ادارات و مشاغل خارج از خانه حتی مناصب سیاسی و میادین ورزشی دید. هر چند این میزان حضور در مقایسه با مردان قابل قیاس نیست؛ اما نادیده گرفتن همین مقدار از واقعیت اجتماعی و بازتاب ندادن آن در کتاب‌های درسی چندان منطقی به نظر نمی‌رسد (حاضری و احمدپور خرمی، 1391). نتیجه پژوهش سیف‌اللهی و ابراهیمی (1387) نیز حاکی از آن است که در کتاب‌های درسی، از زنانی که فعال هستند، فرزندان‌شان را خودشان بزرگ می‌کنند و در بیرون خانه نیز به کار مشغول هستند، خبری نیست. از یک سو، انجام کارهای خانگی اساساً به زنان واگذار شده و از سوی دیگر نقش‌های جنسیتی خارج از خانه اساساً یک موضوع مردانه معرفی شده است. در مجموع، یافته‌های این تحقیق هم پدیده زن نامرئی (ویتزمن<sup>25</sup> و همکاران؛ نقل از فروتن، 1389) و هم پدیده پدر نامرئی (آندرسون و هامیلتون<sup>26</sup>، 2005) را تایید می‌کنند. بدین معنا که از یک سو زنان در مقایسه با مردان حضوری بسیار کم‌رنگ و نامحسوس در تمامی کتاب‌های درسی دارند. از سوی دیگر همین حضور نامحسوس نیز عمدتاً به نقش‌های جنسیتی سنتی یعنی انجام وظایف خانگی و مراقبت از فرزندان محدود می‌شود و نقش مردان در مراقبت از فرزندان بسیار کم‌رنگ و نامحسوس انعکاس می‌یابد. نتایج پژوهش بارتن و ساکو<sup>27</sup> (2012) نیز نشان داد که در کتاب‌های درسی، زنان عمدتاً در قالب نقش‌های سنتی و خانه داری اما مردان در قالب نقش‌های غیرسنتی و انجام کارهای بیرون از خانه انعکاس یافته‌اند. سوارز<sup>28</sup> (2005) نیز همین یافته را تایید کرده است. نتایج پژوهش هاشمی و شهرآرای (1387) تاحدودی متفاوت است. آن‌ها معتقدند که محتوای کتاب‌های درسی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی علوم انسانی در جهت ارائه پیامی است که تا اندازه‌ای به حمایت یا نشان دادن حضور زن در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی می‌پردازد. مطرح ساختن این مباحث و موضوعات هر چند در حد بسیار

25. Weitzman

26. Anderson & Hamilton

27. Barton & Sakwa

28. Suarez

29. Gooden & Gooden

30. Stromquist

31. Chung

1382). یافته‌های حجازی (1385) نشان داد، کتاب‌های درسی الگوی مناسبی به دانش‌آموزان دختر ارائه نمی‌دهند و آن‌ها را از مشارکت‌های اجتماعی باز می‌دارند. این امر دانش‌آموزان دختر را در تناقض قرار می‌دهد. در کتاب‌های درسی تاکید زیاد بر هویت جنسی دختران در خانه و در آغوش خانواده خیلی بیشتر از تایید حضور جنسیتی آنان در حوزه‌های عمومی است. در حالی که در دهه‌های آینده دختران امروزی بانوانی خواهند بود که در چرخه اقتصادی، سیاسی و... نقش فزونی خواهند داشت. همین تضاد و پارادوکس بین واقعیت‌های جامعه و نحوه انعکاس هویت دختران در کتاب‌های درسی به صورت سنتی و قالبی سبب بحران هویت جنسیتی در دختران و زنان می‌شود (شیخاوندی، 1385). ادعای کلی مطالعه اولاد و هاکی<sup>33</sup> (2016) حاکی از آن است که کتاب‌های درسی مدارس هنوز هم تصاویر تبعیض جنسیتی را در خود جای داده‌اند که می‌تواند اثرات نامطلوبی بر شکل‌گیری هویت فراگیران داشته باشد. پژوهش سیفاللهی و ابراهیمی (1387) نیز نشان داد که به طور کلی نقش زنان در کتاب‌های درسی مدارس چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی با نقش‌هایی که زنان در جامعه امروز ایفا می‌کنند هیچ تشابهی ندارند. در نهایت به نظر می‌رسد که کتاب‌های درسی باید به طور مستمر مطالعه و ارزیابی می‌شوند و تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شود. مطالعاتی دیگر برای مطالعه تطبیقی مفهوم جنس و سوگیری‌های توأم با آن در سایر مواد درسی و نیز آموزش عالی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین لازم است توجه شود از آنجا که این پژوهش محدود به مطالعه روی نمونه دانشجویان دختر بوده است، پیشنهاد می‌شود پژوهشی روی نمونه دانشجویان پسر انجام شود تا امکان تطبیق بیشتر فراهم شود. همچنین پژوهش به انجام رسیده با برخی از محدودیت‌ها مواجه بوده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ناتوانایی دانش‌آموزان در ارائه تجارب و اطلاعات کافی درباره مفهوم جنس در کتاب‌های درسی بود. بنابراین برای اخذ اطلاعات بیشتر و کامل‌تر مجبور شدیم دانشجویان سال اول و دوم را به عنوان نمونه وارد مطالعه کنیم که با مفهوم جنس و جنسیت تجربه دارند.

معیدفر (1384) نیز نشان داد که بالا رفتن احساس نابرابری جنسیتی در هر یک از ابعاد آن، انگیزه تحرک اجتماعی را افزایش می‌دهد. همچنین نتایج پژوهش آقاپور (1389) نشان داد که وجود تبعیضات سیاسی و اجتماعی زن و مرد مانع مشارکت اقتصادی است. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات گازو<sup>32</sup> (2003) نیز همسو است. گازو (2003) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که نابرابری جنسیتی پیامدهای اجتماعی از قبیل کاهش نقش زنان در مشارکت اجتماعی، تأخیر در توسعه اجتماعی، هدر رفتن نیروی انسانی جامعه، کاهش ظرفیت‌های تولید فکری و مادی جامعه را به دنبال دارد (شادی‌طلب، 1381). نتایج پژوهش صدقاتی‌فرد و سخامهر (1392) نیز حاکی از آن است که بین ابعاد حقوقی، اجتماعی و اقتصادی متغیر نابرابری جنسیتی و متغیر مشارکت اجتماعی رابطه معناداری مشاهده نشد. درباره بعد سیاسی نابرابری جنسیتی یافته‌ها وجود رابطه معنادار و معکوس را با مشارکت اجتماعی نشان داد. یافته‌های صدقاتی و صفا مهر (1392) و آقاپور (1389) ناهمسو با یافته‌های پژوهش حاضر است.

کاهش منزلت اجتماعی از پیامدهای منفی نابرابری جنسیتی است. تجربه دانشجویان حاکی از آن است که در کتاب‌های درسی به زنان و مسائل مربوط به زنان کمتر توجه شده است. زنانی که بیشترین نقش را در خانواده و جامعه برعهده دارند. توجه کم باعث می‌شود که زنان در جامعه از منزلت و پایگاه اجتماعی خوبی برخوردار نباشند. به عقیده اغلب فمینیست‌ها و اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، تفاوت‌های بیولوژیکی، دخالتی در فرودستی زن و برتری مرد ندارد؛ بلکه عمدتاً نقش کم زنان در تملک ابزار تولید و نداشتن حضور فعال و مشارکت جدی زنان در چرخه اقتصادی و امور عمومی جامعه است که فرهنگ برتری و فرودستی را به وجود آورده و دوام بخشیده است (ریترز، 1383).

پیامد دیگر نابرابری جنسیتی، از نظر اکثر مشارکت‌کنندگان، بحران هویت جنسیتی است که این امر را ناشی از نابرابری و نبود تعادل جنسیتی در کتاب‌های درسی بیان کرده‌اند. از نظر مایکل کیمبل، هویت جنسیتی بخش مهم و اساسی هویت است. کودکان از همان آغاز زندگی به تفاوت‌های میان پسران و دختران آگاه می‌شوند. (توکلی،

## منابع

- صادقی فسائی، سهیلا (1389). ضرورت نظریه پردازی در حوزه مسائل زنان از تحقیق تا نظریه. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال 13، شماره 50، ص 228-185.
- صدقاتی فرد، مجتبی و سخامهر، میترا (1392). تاثیر نابرابری جنسیتی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال 4، شماره 10، ص 60-43.
- ظهره وند، راضیه (1385). تحقق آموزش و پرورش حساس به جنسیت در برنامه‌ریزی آموزشی دوره آموزش عمومی. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره 87، ص 174-147.
- عابدینی، یاسمین؛ مختاری، محمد مهدی (1394). مدل علی روابط انگیزش پیشرفت و عملکرد زبان انگلیسی: نقش واسطه‌ای و فرارشناختی کمک‌طلبی تحصیلی در یادگیری از طریق تلفن همراه. پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، سال 3، شماره 11، ص 7-16.
- عریضی، سید محمدرضا و عابدی، احمد (1382). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی برحسب سازه انگیزه پیشرفت. نوآوری‌های آموزشی، دوره 2، شماره 5، ص 54-29.
- علی‌پور، توکلی و سرمدی (1390). مطالعه‌ای پیرامون چگونگی برابری جنسیتی در آموزش و ارتقای امنیت روانی زنان جامعه ایران از طریق آموزش‌های مجازی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، دوره 1، شماره 4، ص 80-63.
- فتحی و اجارگاه، کورش (1392). برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید. انتشارات آبیژ.
- فروتن، یعقوب (1389). جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران. زن در توسعه و سیاست، دوره 8، شماره 3، ص 216-195.
- فروتن، یعقوب (1390). بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران. زن در توسعه و سیاست، دوره 9، شماره 2، ص 78-39.
- یعقوبی، ابوالقاسم و بختیاری، مریم (1395). تاثیر آموزش تاب‌آوری بر فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان دختر. پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، سال 4، شماره 13، ص 16-7.
- هاشمی، سهیلا و شهرآرای، مهرناز (1387). بررسی باورها و ارزش‌های دانش‌آموزان، خانواده و کتاب‌های درسی درباره تساوی جنسیت. مطالعات زنان، سال 6، شماره 2، صص 46-27.
- آقاپور، اسلام (1389). نابرابری جنسیتی در ایران. پرتال مرکز تحقیقات زن و خانواده. [www.wic.ir](http://www.wic.ir).
- افشانی، عسگری ندوشن و فاضل نجف آبادی (1388). بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی. پژوهش زنان، دوره 7، شماره 1، ص 107-87.
- افهمی، بنفشه (1385). بررسی مضامین و آموزه‌های سیاسی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. پژوهش‌های تربیت اسلامی. شماره 2، ص 28-7.
- ایمانی، محسن و مظفر، محمد (1383). تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان و کتاب کار پایه دوم دبستان چاپ سال 1381 در مقایسه با تعلیمات دینی چاپ سال 1380. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره 7، ص 132-115.
- پورطاهری، مهدی و پوروردی نجات، مینو (1388). سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان روستایی: مطالعه موردی استان گیلان. دانشنامه علوم اجتماعی، دوره 1، شماره 2، ص 156-115.
- توکلی والا، ژاله (1387). بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان ایران در دهه‌های اخیر. پرتال نظام جامع اطلاع‌رسانی اشتغال. [www.jobportal.ir](http://www.jobportal.ir).
- حاضری، علی محمد و احمدپور خرمی، علیرضا (1391). بازنمایی جنسیت در کتب فارسی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان در سال تحصیلی 1388-89. زن در توسعه و سیاست، دوره 10، شماره 3، ص 96-75.
- حجازی، الهه (1385). اصلاح سیمای زن در کتاب‌های دوره ابتدایی: راهی به سوی دستیابی به فرصت‌های برابر. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره 87، ص 146-121.
- دهنوی، جلیل و معیدفر، سعید (1384). بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجو. مطالعات زنان، سال 3، شماره 7، ص 75-51.
- ریتز، جورج (1383). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران، انتشارات علمی.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله و ابراهیمی، مریم (1387). نقش و منزلت زن در کتاب‌های درس فارسی آموزش و پرورش ایران. پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال 2، شماره 1، ص 75-49.
- شادی‌طلب، ژاله (1381). توسعه و چالش‌های زنان ایران. قطره، تهران.
- شیخاوندی، داور (1385). بازتاب هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و دوره راهنمایی تحصیلی. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره 87، ص 120-93.

Amancio, L. (2005). Reflections on science as a gendered Endeavour: changes and continuities. *Social Science Information*, 44(1).

Anderson, D.A. & Hamilton, M. (2005). Gender role stereotyping of parents in children's

picture books: the invisible father. *Sex Roles*, 52(3-4).

Barton, A. & Sakwa, L.N. (2012). The representation of gender in English textbooks

- in Uganda. *Journal of Pedagogy, Culture & Society*, 20(2).
- Brint, S.M.F. Contreras, & M.T. Matthews (2001). Socialization messages in primary schools: an organizational analysis. *Sociology of Education*. 74(3).
- Chick, A.K. (2006). Gender balance in k-12 American history textbooks. *Social Studies Research and Practice*, 1(3).
- Chung, H (2000). Womens roles and gender issues in primary school textbooks. Korea and Mexico, Santiago Luniversity of California.
- Esen, Y. (2007). Sexism in school textbooks prepared under educational reform in turkey. *Journal for Critical Education Policy Studies*, 5.
- Evans, L. & Davies, K. (2000). No sissy boys here: a content analysis of the representation of masculinity in elementary school reading textbooks. *Sex Roles*, 42(3-4).
- Fousiya, P & Alias Musthafa. Mohamedunni (2016). Gender Bias in School Curriculum Curbs Girls' Career Aspirations. *IOSR Journal of Humanities and Social Science*, 21(3), PP 19-22.
- Frawley, Timothy J (2008). Gender Schema and Prejudicial Recall: How Children Misremember, Fabricate, and Distort Gendered Picture Book Information. *Journal of Research in Childhood Education*, 22(3).
- Gazso, W.A. & McMullin, J.A. (2003). Doing domestic labour: strategizing in gendered domain. *Canadian Journal of Sociology*, 28(3).
- Gooden, A. & Gooden M.A. (2001). Gender representation in notableschildren's picture books: 1995-1999. *Sex roles*, 45(1-2).
- Hamilton, M.C. Anderson, D. broaddus, M. & young, K. (2006). Gender Stereotyping and Under-representation of Female Characters in 200 Popular Children's Picture Books: A Twenty-first Century Update, *Gender Roles*, 55.
- Jackson, C. & Warin, J. (2000). The importance of gender as an aspect of identity at key transition points in compulsory education. *British Educational Research Journal*, 26(3).
- Khurshid, K.G. & A.H. Muhammad. (2010). A study of the representation of female image in the textbooks of English and urban at secondary school level. *Pakistan Journal of Social Sciences*, 30(2).
- Kuruvilla, Moly & K.T, Thasniya (2015). Gender Stereotypism in the Pictorial Depictions of Primary School Text Books. *IOSR Journal of Humanities and Social Science*, 20(6), PP 16-26.
- Law, K.W.K & Chan, A.H.N. (2004). Gender role stereotyping in hongkongs primary school Chinese language subject textbook. *AJWS* 10(1).
- Lee, J. F. K. & Collins P. (2008) "Gender voices in Hong Kong English textbooks some past and current practices", *Sex Roles*, 59
- Mccabe, J.F. Fairchild, L. Grauerholz, B. pescosolido & Tope, D. (2011). Gender in twentieth century children's books patterns of disparity in titles and central characters. *Gender and Society* 25(2).
- Mukundin, J. & Nimehchisalem, V. (2008). Gender representation in Malaysian secondary school English language textbooks. *Indonesian Journal of English Language Teaching*, 24(2).
- Reagle, C.H. (2006). Creating effective schools where all students can learn, western Washington University. *The Rural Educator*, 27(3).
- Suarez, G.M. (2005). Barriers of female achievement: gender stereotypes in Costa Rican textbooks, *Women's Study International Forum*, 11(6).
- Sugar, J.A. (2002). Gender biases in gerontological education, *Gerontology & Geriatrics Education*, 22(4).
- Sumalatha, K. & Ramakrishnaiah, D. (2004). Sex Bias in Secondary School Social Studies Textbooks: A Case Study in India. *American Journal of Applied Science*, 1(1).
- Sunderland, J. (2001). From bias in the text to teacher talk around the text: an exploration of teacher discourse and gendered foreign language textbook text, *Linguistics and Education*, 11.
- Taylor, F. (2003) content analysis and gender stereotypes in children's books, *Teaching Sociology*, 31.
- Toci, A. Aliu, M. (2013). Gender Stereotypes in Current Children's English Books Used in Elementary Schools in the Republic of Macedonia, *American International Journal of Contemporary Research*, 3(12).
- Ullah, A. & Naz, M. (2014). Gender representation in children's books: a critical review of empirical studies. *World Applied Sciences Journal*, 29 (1).
- Ullah, H. & Skelton, C. (2012). Gender representation in the public sector school's textbooks of Pakistan, *Educational Studies*, 4(3).
- Ullah, Hazir & Haque, Huma. (2016). The representation of boys and girls activities in school textbooks. *FWU Journal of social sciences*, 10(1).
- Van Mannen, M. (2006). *Researching Lived Experience, Human Science for an Action Sensitive Pedagogy*. Ontario, Canada: The University of Western Ontario.